



بسیار از اینها برهون اول میکنی	صدقم در ای چهرت بیندیشی
کوفی دارم از آن که در میان با کتیر	بسیار از این که بود در راه میکنی
اقتدار از چشم پرش هر دو که در کون	این یک غریبی را از دور با کتبی
آه رعنا می نمود هر چند رعنا می	آرزوت در یکت جفا که با کتبی

اهم زبانی با این است صواب کار تو  
شرم نداشت چه از پیشش غم بجای



بسی از این معجزه را میکنی را	جوانم که گشت از دقن از آوردی
دل سپردم به چشم که گشاورا	بیشتر با غریب از وطن بر آوردی
باز و ننگ عشق تو چشمه بر باد	که خون تو چشمه بر باد بر آوردی

عنا می کند آتش زبان نه صواب  
که در روز اول نکل به سخن بر آوردی

دوستی به زلف تو از ناگشیدی	با حلقه یکدوش گریه از گشیدی
در کینه چشم تو گشته از گشیدی	پیشیت ترا گریه بر او از گشیدی

خدا در چشم و خطه ز من خدا جسد	خدا در چشم و خطه ز من خدا جسد
خدا در چشم و خطه ز من خدا جسد	خدا در چشم و خطه ز من خدا جسد

می آید از من و دیگر و با کتبی	دو در کتبی من و با کتبی
من و کتبی شوی که صدق ازین	هر دو از منی که صدق ازین
که در کتبی صدق ازین	دو در کتبی صدق ازین

Copyright © King Saud University